

دکتر عبدالرحمن قاسملو ترور شد



نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکترت) در خارج از کشور

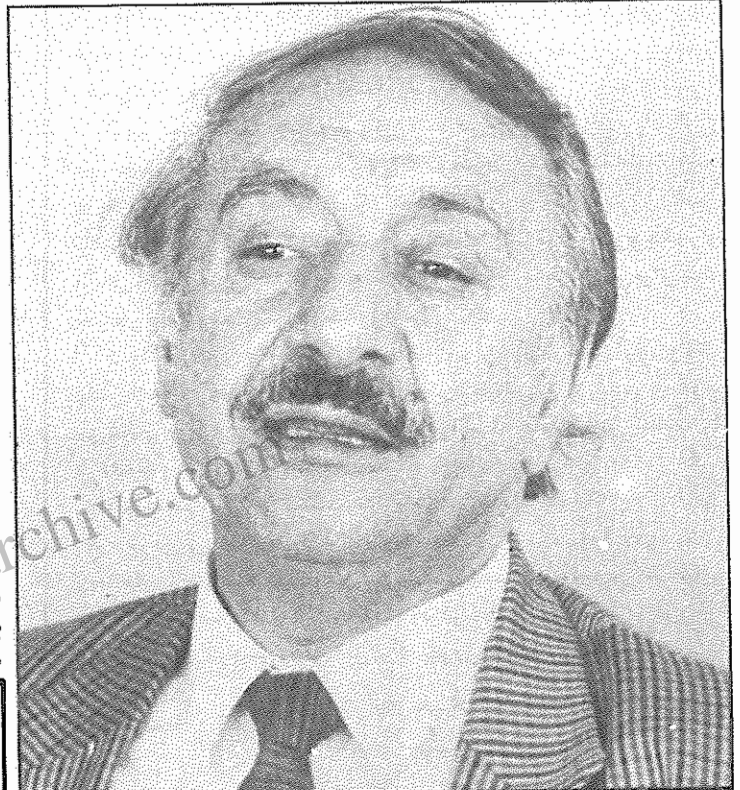
دوشنبه ۲۶ تیر ماه ۱۳۶۸ برابر با ۱۷ جولای ۱۹۸۹
بمب ۶۰ ریال سال ششم شماره ۲۶۶

✱ در یک ترور جنایتکارانه، دبیر کل حزب دمکرات کردستان و عبدالله قادری آذر از رهبران این حزب، به شهادت رسیدند.

✱ سخنگوی حزب دمکرات کردستان ایران در اتریش، جمهوری اسلامی را عامل این جنایت معرفی کرد.

عبدالرحمن قاسملو، یکی دیگر از رهبران حزب دمکرات کردستان ایران، عبدالله قادری آذر نیز به شهادت رسید. عبدالله قادری نماینده حزب دمکرات در فرانسه و معاون دبیر کل آن بود. بنابر اطلاعات و گزارش‌های انتشار یافته دو یا سه نفر که به دو اسلحه‌کمری و یک مسلسل مجهز بوده‌اند در ساعت نوزده و بیست دقیقه وارد آپارتمان در طبقه سوم یک ساختمان در وین که دکتر قاسملو و سه تن دیگر در آن حضور داشتند شده و بلا درنگ اقدام به تیراندازی کرده‌اند. دکتر قاسملو بدون حرکت نشسته بر میل آماج تیرهای فراوان شده است. جانبان سپس با اسلحه کمری مجهز به صدا خفکن از فاصله نزدیک به سر هر سه تن کشته شدگان این واقعه، تیر خلاص شلیک کرده‌اند. بقیه در صفحه ۳

در شامگاه روز پنج‌شنبه ۱۳ ژوئیه بر اثر حمله چند تروریست مسلح، دکتر عبدالرحمن قاسملو، عبدالله قادری و دکتر ملا محمود فاضل رسول، در آپارتمانی در شهر وین، پایتخت اتریش کشته شدند. خبر ترور جنایتکارانه دکتر قاسملو بلافاصله در سراسر جهان منتشر شد و موج اندوه و حسرت بی‌پایانی را در میان همه ایرانیان آزاده، همه دوستان صلح و آزادی و تمامی رزمندگان راستین راه دموکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان پدید آورد. دکتر عبدالرحمن قاسملو از رهبران و چهره‌های برجسته اپوزیسیون مترقی حکومت ضد مردمی جمهوری اسلامی بود. فقدان او ضربه بزرگی برای جنبش دموکراتیک در سراسر ایران و بویژه جنبش خلق کرد محسوب می‌شود. به همراه دکتر



دکتر عبدالرحمن قاسملو دبیر کل شهید حزب دمکرات کردستان ایران

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکترت)

درباره ترور دکتر عبدالرحمن قاسملو

در صفحه ۲

در این شماره

✱ محکومیت مجدد ایران در دادگاه لاهه

در صفحه ۶

✱ غائله‌های پایان ناپذیر

در صفحه ۲

✱ ادامه پیروزی‌های نظامی در افغانستان

در صفحه ۱۲

✱ اجلاس سران ۷ کشور صنعتی در پاریس

در صفحه ۱۰

✱ گامی استوار به پیش

در صفحه ۱۲

بمب گذاری در مکه حین مراسم حج

حتی حاضر است در میان زائرین بمب گذاری کند.

رفسنجانی دولت عربستان و نیز دولت آمریکا را عاملین این واقعه معرفی کرد و هدف آنان را القاء این تصور که طرفداران جمهوری اسلامی ایران دست به چنین کاری زده‌اند دانست.

موسوی اردبیلی نیز این اقدام را کار حاکمان مکه قلمداد کرد و نتیجه گرفت که حاکمان مکه نیافت حکومت ندارند. اما ضمناً به دخالت جمهوری اسلامی در واقعه دو سال پیش مکه نیز احترام کرد. او گفت: "تقارن این جنایت با سالگرد فاجعه مکه برای این است که مطرح کنند فرزندان اسلام در این افتشاش شرکت کرده‌اند." یعنی شرکت "فرزندان اسلام" در فاجعه مکه چنان ثابت شده است که تقارن هر جنایتی با سالگرد واقعه مذکور می‌تواند حاکی از بقیه در صفحه ۶

بنابه اطلاع خبرگزاری‌ها، روز سه‌شنبه بیستم تیرماه در اثر انفجار دو بمب در مکه، در حالیکه مراسم حج در این شهر جریان داشته است، یک زائر پاکستانی کشته و ۱۶ تن دیگر زخمی شدند. پس از این واقعه که درست در دومین سالروز حادثه مکه رخ داد، مقامات جمهوری اسلامی ایران حملات تبلیغاتی خود علیه عربستان سعودی را که به رسم معمول در آستانه انجام مراسم حج مجدداً شروع کرده بودند، شدت بخشیدند.

خامنه‌ای هلی‌رفتم اینکه به یمن خودافشگری‌های جمهوری اسلامی دخالت مستقیم رژیم در حادثه دو سال پیش مکه - که به کشته شدن حدود ۴۰۰ نفر انجامید - آشکار شده است، چه فاجعه مذکور و چه بمب‌گذاری‌های اخیر را به دولت عربستان نسبت داد و گفت که دولت عربستان سعودی برای نیل به اهداف خود

غائله‌های پایان‌ناپذیر

«مجلس استعفای نماینده کرج را با اکثریت ۱۸۷ رای از ۱۸۹ رای داده شده پذیرفت»

موضوع چیست و نماینده کرج چرا استعفا داده است؟ پاسخی که مطبوعات مجاز ایران - از جمله کیهان و اطلاعات - به این سوالات می‌دهند این است: «عبدالمجید شرح‌پسند نماینده کرج در «مجلس شورای اسلامی» - در نطق پیش از دستور خود در جلسه هلدی ۱۱ تیر مجلس استعفای خود را از نمایندگی مجلس اعلام داشت. وی برای استعفای خود دلایلی را ذکر کرد و سپس از ریاست مجلس خواست تا به موجب ماده ۲۴ آئین‌نامه داخلی استعفانامه وی را در دستور کار یکی از جلسات هلدی هفته بعد قرار دهند».

این تمام آن چیزی است که کیهان - و محدودتر از این، اطلاعات - درباره استعفا شرح‌پسند از زبان خود او انعکاس داده است. چنانکه پیداست گردانندگان این مطبوعات دغدغه تصریح استعفا به فلان ماده آئین‌نامه داخلی مجلس در اظهارات نماینده مذکور را داشته‌اند اما ابا دغدغه‌ای برای نوشتن دلایلی که وی در یک جلسه هلدی مجلس برای استعفای خود ذکر کرده است، ولو که یک کلام باشد، نداشته‌اند.

اما میزان اطلاعاتی که مطبوعات رژیم پیرامون موضوع فوق در اختیار خواننده قرار می‌دهند به همان مطلب حقیر و سانسورزده بالا محدود نمی‌شود. وقتی بلندگو بدست کسانی می‌افتد که شرح‌پسند در نطقش آنها را خطاب کرده است، دیگر کلمه‌ای از گفتار آنان حذف نمی‌شود و از خلال همین واکنش طرف مقابل است که خواننده دستگیرش می‌شود که آنچه در نطق نماینده کرج «ذکر» شده «سطحی و تشریفاتی دانستن حضور مردم در صحنه»، «بی‌آینده دانستن نظام جمهوری اسلامی»، «تقدرتطلب خواندن بعضی سران حکومت - خاصه رفسنجانی و خامنه‌ای» و... بوده است و دلیل استعفایش هم اینکه «او دیگر نمی‌تواند به همکاری با سیستمی که کوچکترین مشابهتی با حکومت هلدی هلدی ندارد ادامه دهد».

حال که دلایل استعفای نماینده کرج معلوم خواننده شد، پیش‌بینی واکنش حضرات مسئولین رژیم دشوار نخواهد بود: رفسنجانی اعلام می‌کند که مردم و مسئولین حاضر نیستند چیزی که بوی تفرقه بدهد در جامعه مطرح شود؛ گروهی اظهارات شرح‌پسند را و قبحانه‌ترین جسارت به کل نظام توسط «سخنگوی یک مجموعه و جریان و طیف می‌خواند و پادوها و توجه‌های ایشان هم آن اظهارات را کمتر از «یاوه»، «اراجینی که از دهان‌های کثیف جیره‌خواران استکبار جهانی بیرون می‌آید»، «فائله» و... ارزیابی نمی‌کنند. در جمهوری اسلامی هم که باید یاوه‌گو را خفه کرد و فائله را خواباند، پس «سیل» طومار و تقاضا برای اخراج «این عنصر ضدانقلابی» از مجلس، تعقیب قضایی امر و رسیدگی توسط ساواک جمهوری اسلامی به آن از جانب «امت حزب‌الله و خانواده شهدا و...» و ۱۵۴ نفر از نمایندگان مجلس براه می‌افتد. باین ترتیب زمینه برای آخرین حرکت ضرور باقیمانده آماده می‌شود و حرکت انجام می‌گیرد: از ۱۸۹ نفر ۱۸۷ نفر به استعفای شرح‌پسند رای مثبت می‌دهند و گفته می‌شود که ناچرخه بازداشت هم شده است.

اما یک جای کار لنگ می‌زند. گروهی - نایب‌رئیس مجلس - در سخنانی که در «مجمع مردم کرج» ایراد می‌کند از اهالی کرج می‌خواهد که حساب عبدالمجید شرح‌پسند را از خانواده دلبستگان او جدا دانسته و احترام خانواده وی را که از خانواده شهدا هستند محفوظ بدارند. روشن است که اگر خانواده شرح‌پسند از خانواده شهدا هستند خود او هم هست. پس تعلق به خانواده شهدا تضمینی برای این که کسی دیگر از این خاندان صدها هزار بلکه میلیون هانفر علیه حضرات «فائله» بی‌براه نیاندازند نخواهد بود. بعلاوه خود گروهی شرح‌پسند را سخنگوی یک مجموعه و جریان و طیف دانسته است، و نگاهی هم به تیتیر خبر مربوط به پذیرفتن استعفای نامبرده - تیتیری که در کیهان و اطلاعات هینا یکی

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

درباره ترور دکتر عبدالرحمن قاسملو

معاونان مبارز!

با کمال تأسف اطلاع یافتیم که پنجشنبه ۲۲ تیر ماه ۶۸، دکتر عبدالرحمن قاسملو مبارز سرشناس و دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران و آقای عبدالله قادری نماینده این حزب در اروپا و یکی از مبارزان کرد هراتی طی یک توطئه رذیلتانه و جنایتکارانه در وین ترور شده و به قتل رسیدند. در جریان این حادثه یکی از ماموران رژیم نیز زخمی شده است که اکنون در اختیار پلیس وین است.

ترور عبدالرحمن قاسملو و همراهانش در وین در پی ترور دیگری صورت می‌گیرد که چندی پیش روی داد و طی آن یکی از مخالفان رژیم به قتل رسید. هنوز هم مردم از هویت قاتلان آن حادثه ترور آگاهی نیافته‌اند. گسترش موج ترور ریسیم علیه مخالفان رژیم در خارج کشور و قربانی شدن رهبری یک حزب سیاسی در این موج، هشدار جدی برای همه سازمان‌ها و نیروهای مترقی کشور است.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ترور و قتل دکتر قاسملو، عبدالله قادری و مبارز کرد هراتی را به شدت محکوم می‌کند و از دولت اتریش مصرانه می‌خواهد که عاملین این جنایت را بازداشت و هویت آنان را به اطلاع همگان برساند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق این حادثه تأسف‌بار را به خلق کرد، رهبری، کادرها و همه اعضا و پیشمرگان حزب دمکرات کردستان و به خانوادگان و اقارب آنها تسلیت عرض می‌کند. امید است که با پیوستن همه نیروهای آزادی‌خواه در راه آرمان‌های مردمی و ملی خلق کرد، پیروزی آرزوی می‌کند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۲۴ تیر ماه ۶۸

«در میان دسته‌بندی‌های درون هیات حاکمه ائتلاف رفسنجانی - خامنه‌ای در راستای تحکیم تسلط خود و حذف و سرکوب هر نوع مخالف‌خوانی درون هیات حاکمه تلاش می‌کند... هدف هاجل سران قدرتمند رژیم تحکیم موقعیت خود و جبران خلاء ناشی از فقدان خمینی است. تمرکز تمام قدرت در چنگ رفسنجانی - خامنه‌ای در مرحله فعلی هدف مقدم سران رژیم است. پیشرفت این تلاشها طبقا با مقاومت و مقابله گروه‌بندی‌های مختلف درون حکومت روبرو می‌شود».

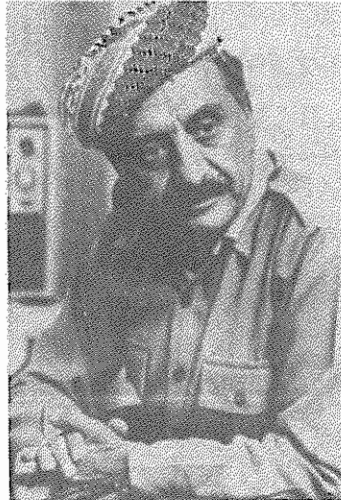
نقل از نشریه کار شماره ۶۵ مورد شرح پسند اولین نمونه از حذف و سرکوب هر نوع مخالفت درون هیات حاکمه پس از مرگ خمینی است، اما بیگمان آخرین آن نخواهد بود.

است - مطلب را روشنتر می‌سازد: «مجلس استعفای نماینده کرج را با اکثریت قاطع ۱۸۷ رای از ۱۸۹ رای داده شده پذیرفت» یعنی در رای‌گیری فقط ۱۸ نفر از نمایندگان مجلس شرکت داشته‌اند و بقیه از دادن رای یا حضور در مجلس امتناع ورزیده‌اند. شرح‌پسند چه به عنوان عضوی از خانواده شهدا و چه به عنوان یک نماینده مجلس منحصر به فرد نیست.

آنچه که گذشت موبد این نظر است که «در قیام خمینی جنگ قدرت شدت و دامنه فزاینده‌ای می‌گیرد و... توازن قوانین جناح‌های درگیر هریان تر و واقعی تراز هر وقت دیگر به نمایش درخواهد آمد. هر جناحی مجبور است اساسا و مستقیما بر نیرو و امکانات واقعی خود و نه حمایت ضمنی که به‌طور مصنوعی توازن را به هم می‌زند متکی شود».

دکتر

عبدالرحمن قاسملو ترور شد

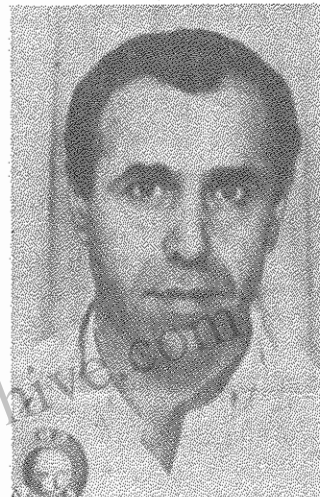


اسلامی را در جایگاه محتمل ترین عامل این جنایت خونبار می‌نشانند. کینه همیق رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی به خلق کرد ورهبران آن و خصلت مافیایی و تروریستی این رژیم زمینه جدی این قضاوت را تشکیل می‌دهد. دکتر عبدالرحمن قاسملو که در این حادثه آماج کین دشمنان دموکراسی در ایران و خودمختاری خلق کرد قرار گرفت، از رهبران برجسته سیاسی بود. او توانایی‌ها و ارزش‌های قابل تأکیدی را به نمایش می‌گذاشت.

دکتر قاسملو از دیدی هینی، شم سیاسی قوی و همه‌جانبه‌نگری بارزی برخوردار بود. قاسملو انسان فرهیخته‌ای بود او که دکترای علوم سیاسی داشت، استاد دانشگاه‌های پراک در چکسلواکی و سوربون پاریس نیز بوده است. قاسملو به هفت زبان زنده تسلط کافی داشت. دکتر عبدالرحمن قاسملو در ماه‌های اخیر تلاش‌های متمرکز و امیدآفرینی را جهت تقویت اتحاد و نزدیکی سازمان‌ها و نیروهای مختلف سیاسی بکار می‌برد. او به هنگام شهادت ۵۹ ساله بود.

مورد بررسی قرار داده و احتمالات زیر را فیروا تعقی ندانسته‌اند که: جلسه مذاکره دامی از سوی رژیم حاکم بر ایران بوده است تا دکتر قاسملو را به قتلگاه بکشانند. رژیم هراق با انگیزه سد کردن مذاکرات و احتمال ایجاد توافق بین حزب دموکرات کردستان و دولت ایران به این اقدام تروریستی دست زده‌باشد و یا اینکه - سازمان مجاهدین خلق در این امر نقش داشته‌باشد.

رژیم جمهوری اسلامی در بخش‌های مختلف خبری خود ضمن



عبدالله قادری آذر حضور رهبری و نماینده حزب دموکرات کردستان در فرانسه

شرکت‌کنندگان در این مذاکرات که تعداد و مشخصات آنان روشن نیست اندکی قبل از حمله تروریست‌ها خانه را ترک کرده‌اند.

در مورد عاملین این جنایت هنوز نمی‌توان با قطعیت سخن گفت اما رژیم آدمکش و تروریست جمهوری اسلامی محتمل‌ترین عامل این جنایت است. به دنبال وقوع حادثه، نماینده‌ای از حزب دموکرات کردستان در آتریش در یک مصاحبه مطبوعاتی رژیم جمهوری اسلامی را مسبب و برنامه‌ریز ترور دکتر عبدالرحمن قاسملو معرفی نموده و هلت جان سالم‌بر بردن دیپلمات جمهوری اسلامی را به‌هنوان یکی از دلایل این امر ذکر کرده است. در اعلامیه کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان ایران قید شده است که هنوز دلایل کافی نیست. اما شواهد دال بر در کار بودن دست جمهوری اسلامی در این جنایت است. نشریات آتریشی و آلمانی شقوق مختلف در این زمینه را

بینه از صفحه اول

بیش از ۲۵ پوکه نشنگ اسلحه کمری کالیبر ۷/۶۵ میلیمتر توسط پلیس در محل جنایت یافت شده است.

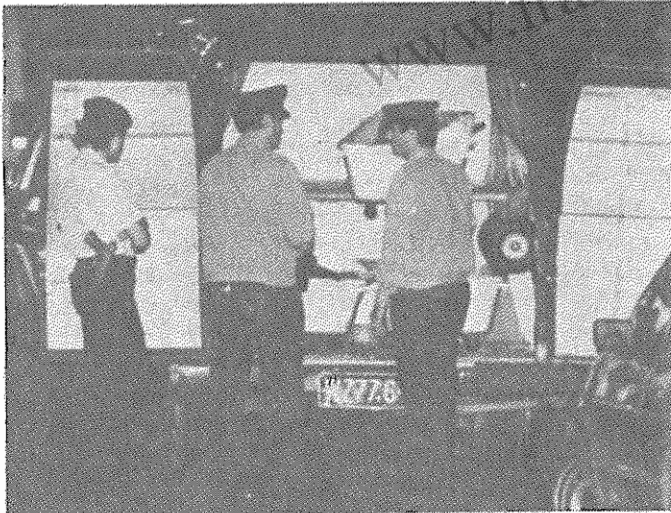
دکتر ملا محمود فاضل رسول، قربانی دیگر این جنایت هولناک از کردهای هراقی، ۳۸ ساله و مقیم آتریش بوده است. گفته شده است که او واسطه انجام مذاکره و ملاقات رهبران حزب دموکرات با نمایندگان از جمهوری اسلامی بوده است.

نفر چهارمی که به هنگام حمله مهاجمین در خانه حضور داشته و از ناحیه دهان و دست مورد اصابت گلوله قرار گرفته و مجروح شده است فردی است که با نام محمد جعفری یک پاسپورت دیپلماتیک جمهوری اسلامی دارد. نام اصلی این شخص در تهران عبدالله رحیمی و از فرماندهان سپاه پاسداران است.

نزد این فرد حدود ۹۵۰۰ دلار آمریکایی یافت شده است که به شخص دیگری که بعد از حادثه بطور طبیعی به محل آمده است تحویل داده است. این شخص اکنون برای تحقیقات در بازداشت پلیس به‌سرمی‌برد.

روز جمعه ۱۴ ژوئیه، روز بعد از حادثه، بطور اتفاقی سلاح‌های بکار گرفته شده که توسط جنایتکاران به دور ریخته شده بود در نزدیکی یک تئاتر در چند کیلومتری محل حادثه پیدا شده است. در این محل دو سلاح کمری مجهز به صداخفه‌کن و یک مسلسل یافت شده است.

گزارش‌ها و شواهد نشانگر این است که در خانه محل جنایت بین دبیرکل حزب دموکرات و معاون وی با نمایندگان از سوی جمهوری اسلامی مذاکراتی در جریان بوده است. چند تن از



پلیس آتریش در حال حمل اجساد قربانیان ترور

ما فقدان دکتر عبدالرحمن قاسملو را ضایعه‌ای برای جنبش دموکراتیک مردم ایران و مبارزات خلق کرد تلقی کرده، شهادت او و هم‌رزمش عبدالله قادری را به حزب دموکرات کردستان ایران، مردم کردستان، بازماندگان آنان و همه دوستان ایرانی دموکراتیک و کردستانی خودمختار تسلیت می‌گوییم.

پخش خبر و تأیید این امر که حادثه ترور حسین مذاکرات با دیپلمات رژیم رخ داده است، آن را به عوامل وابسته به مجاهدین خلق نسبت داد.

سازمان مجاهدین خلق ضمن تکذیب امر انجام مذاکره با رژیم جمهوری اسلامی را محکوم کرد. همچنانکه ذکر شد، تحلیل همومی اوضاع، و قرائن و شواهد موجود رژیم تبعکار جمهوری

تصویب طرح "اصلاح ماده ۱۸ قانون گذرنامه"

خارج و شهربانی و نماینده دادستانی کل کشور که به دعوت وزارت کشور و در محل این وزارتخانه تکمیل می‌گردد مجاز به خروج انفرادی خواهند بود.

تبصره ۳ - صدور تمدید تفکیک و تجدید گذرنامه برای افراد کمتر از ۱۸ سال به وسیله نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور به جز در موارد استثنا در بندهای این قانون ممنوع می‌باشد.

تبصره ۴ - دارنده گذرنامه موظف است همراهان کمتر از ۱۸ سال که با گذرنامه خود از کشور خارج نموده به اتفاق خود به ایران برگرداند در غیر این صورت پس از صدور حکم دادگاه صلحه حسب مورد به مدت پنج سال ممنوع الخروج و از دو تا شش ماه حبس محکوم خواهند شد.

بند ۳ - برای زنان شوهر دار با شرایط زیر:
الف - برای زنان کمتر از ۱۸ سال که به اتفاق شوهر خود قصد مسافرت دارند.

ب - برای زنان بالای ۱۸ سال با موافقت کتبی شوهر و در موارد اضطراری اجازه دادستان شهرستان محل درخواست گذرنامه که مکلف است نظر خود را اهم از قبول یا رد آن حداکثر ظرف مدت ۳ روز اعلام دارد کافی است. زنانی که با شوهر خود مقیم خارج هستند و زنانی که شوهر خارجی اختیار کرده و به تابعیت ایرانی باقی مانده‌اند از شرط این قسمت مستثنی می‌باشند.

تبصره - درخواست صدور گذرنامه یا صدور اجازه خروج از کشور انفرادی بانوان شوهر دار کمتر از ۱۸ سال که قصد خروج از کشور را دارند جهت تصمیم‌گیری به کمیسیون موضوع تبصره ۲ این قانون ارائه می‌گردد. صدور گذرنامه و اجازه خروج از کشور افراد مشمول بند ۹ که تاریخ ازدواجشان قبل از مورخه ۶۷/۷/۱۶ می‌باشد به صورت انفرادی بلامانع است.

کره جنوبی به جای ژاپن

از سرمایه‌گذاری مشترک چندین میلیارد دلاری در پروژه پتروشیمی ایران صرف‌نظر کند، جمهوری کره شانس بسیار خوبی برای شرکت در اجرای این پروژه دارد.

لازم به تذکر است که فعالیت این پروژه که با سرمایه‌گذاری مشترک ایران و ژاپن در بندر خمینی صورت می‌گرفت پس از حملات هوایی عراق به این محل، در خلال جنگ متوقف شد. هنوز مذاکره برای براه‌اندازی دوباره پروژه مزبور بین مقامات مشترک ملی پتروشیمی ایران و کنسرسیومی به رهبری شرکت میتسویی ژاپن به نتیجه نرسیده است.

جمهوری اسلامی خواستار تکمیل این پروژه است، ولی ژاپنجا آن را مقرون به صرف نمی‌دانند. دو کشور از سال ۱۹۷۱ چهار میلیارد و ششصد میلیون دلار بر روی این پروژه سرمایه‌گذاری کرده‌اند.

مجلس اسلامی در جلسه هلنی روز یکشنبه ۱۱ تیر خود طرح اصلاح بندهای ۱ و ۳ ماده ۱۸ قانون گذرنامه مصوب ۱۳۵۱/۱۲/۱۵ را به تصویب رساند.

بند ۱ ماده ۱۸ در مورد صدور گذرنامه و اجازه خروج انفرادی اشخاصی که کمتر از ۱۸ سال دارند، می‌باشد. این افراد فقط در موارد زیر می‌توانند از کشور خارج شوند:

الف - بیچاران با معرفی شورای عالی پزشکی
ب - افرادی که یکی از والدین یا قیم قانونی آنها مقیم خارج از کشور می‌باشد.

ج - همسر و فرزندان کارکنان دولت جمهوری اسلامی ایران که مدت مأموریت آنان بیش از شش ماه باشد با تأیید بالاترین مقام آن وزارتخانه - نهاد یا سازمان دولتی

د - گروه‌های کارآموزی یا گردش علمی یا شرکت در سمینارها و مسابقات علمی و فرهنگی
ه - تیم‌های ورزشی با معرفی سازمان تربیت بدنی جمهوری اسلامی، برای مدت مشخص
و - جانبازان و مجروحین انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی با معرفی بالاترین مقام نهاد مربوط در مرکز یا امضا مجاز معرفی شده توسط ایشان برای مدت معالجه

ز - همسر و فرزندان دانشجویان شاغل به تحصیل در خارج از کشور با تأیید وزارت فرهنگ و آموزش عالی یا وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی یا ارائه گذرنامه یا اجازه خروج معتبر دانشجویی

ح - کسانی که با پروانه زیارتی هازم مسافرت خارج از کشور می‌باشند.

تبصره ۱ - نوع اجازه خروج مندرج در گذرنامه انفرادی افراد مذکور در بندهای این ماده واحده برای یک بار (مهر قرمز) خواهد بود.
تبصره ۲ - افراد مزبور به جز موارد فوق الذکر در مواقع اضطراری با تشخیص کمیسینی مرکب از نمایندگان وزارتخانه‌های کشور، اطلاعات، امور

وزیر نفت جمهوری اسلامی دیداری شش‌روزه از جمهوری کره جنوبی به عمل آورد. هدف این دیدار گسترش روابط اقتصادی و افزایش صدور نفت بود. وی در مصاحبه‌ای که در سؤال انجام داد اشاره کرد که هیچ مانعی در راه مناسبات دو کشور وجود ندارد. سؤال و تهران در ماه ژوئن روابط خود را به سطح سفارت ارتقاء دادند. وزیر نفت جمهوری اسلامی اظهار کرد که با کمپانی‌های کره‌ای در زمینه اجرای پروژه‌های مختلف به توافق رسیده است. این پروژه‌ها شامل ارائه سفارش یک نفتکش به کمپانی "هوندا"، تاسیس یک مجتمع پتروشیمی به طور مشترک با کمپانی "دایلم"، قرارداد مشترک با کمپانی "شینوما" در مورد تجهیزات ساختمانی و همکاری در یک پروژه پتروشیمی با کمپانی "سونگ یونگ" می‌باشد. وزیر نفت روز پنج‌شنبه ۱۵ تیر ماه در یک کنفرانس مطبوعاتی در سؤال اعلام کرد: چنانچه ژاپن تصمیم بگیرد

رفسنجانی و عباس شیبانی

کاندیداهای ریاست جمهوری

در روز یکشنبه ۱۸ تیرماه ستاد انتخابات وزارت کشور با صدور

اطلاهیهای اسامی کاندیداهای ریاست جمهوری مورد تأیید فقهی شورای نگهبان را اعلام کرد. در این اطلاهی آمده است که در اجرای ماده ۵۶ قانون انتخابات ریاست جمهوری شورای نگهبان صلاحیت هاشمی رفسنجانی و عباس شیبانی را مورد تأیید قرار داده است.

لازم به یادآوری است که برای کاندیداتوری ریاست جمهوری قریب ۱۷۵ تن در ستاد مرکزی انتخابات وزارت کشور حکومت ثبت نام به عمل آورده بودند که از میان آنان تنها ۷۹ تن دارای پرونده کامل بودند که اسامی آنها جهت بررسی صلاحیت در اختیار شورای نگهبان قرار داده شده بود.

محمد یزدی رئیس هیئت نظارت مرکزی انتخابات ریاست جمهوری شورای نگهبان در مورد حذف اسامی ۷۷ نفر از افراد فوق از لیست کاندیداتوری مقام ریاست جمهوری و چگونگی تعیین صلاحیت کاندیدها اعلام داشت که از ۷۹ نفر، ۷۷ نفر فاقد شرایط لازم برای احراز این پست بوده‌اند و صلاحیت آنان رد شده است و فقط ۲ نفر صلاحیت کاندیداتوری را داشته‌اند.

وی در مورد افرادی که برای کاندیداتوری ثبت نام به عمل آورده بودند گفت: کسی که چند مدتی استادار و یا معاون سیاسی وی بوده و یا استاد دانشگاه می‌باشد برای این کار مناسب است

ولی برای ریاست جمهوری مناسب نیست... کسی که در یکی از شهرکها زندگی می‌کند و در رابطه با مدرک تحصیلی نوشته است که دارای مدرک سوادآموزی است و برای تأییدیه هم اینجانب را معرفی نموده... و یا در میان آنها افرادی دیده می‌شوند که کارگر ساده، راننده، نظامی و یا روحانی دارای تحصیلات حوزه‌ای دیده می‌شوند... مایه تعجب است که این افراد با چه داهی‌های می‌آیند و وقت وزارت کشور و شورای نگهبان را میگیرند...

محمد یزدی بلاخره تأیید کرد که در میان کاندیداهای ریاست جمهوری کسانی که بقول وی رجل سیاسی می‌باشند نیز وجود داشته‌اند که دارای صلاحیت مدیریت هم بوده‌اند ولی بواسطه تردید نسبت به اعتقاد آنها به نظام مورد تأیید قرار گرفته‌اند.

سازماندهی مجدد بسیج

رحمانی مسئول واحد بسیج مستضعفان سپاه اعلام کرد که طرح جدیدی مبنی بر سازماندهی بسیج سپاه پاسداران در زمینه بازآموزی - سازماندهی مجدد و تقویت بنیه فکری و عقیدتی اعضا تهیه شده است که به مورد اجرا درمی‌آید. وی از کلیه بسیجیانی که در رده‌های آموزشی - تخصصی - فرماندهی و یا در هسته‌های مقاومت بسیج فعالیت کرده‌اند دعوت کرد، برای تشکیل و تکمیل پرونده‌های خود به مراکز بسیج در سراسر کشور مراجعه کنند.

سرکردگان حزب الله لبنان و "امل" در تهران

برگزاری کنکور دانشگاه‌ها

در روزهای ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸ تیرماه کنکور سراسری دانشگاه برگزار شد که در آن ۷۵۲ هزار نفر داوطلب شرکت داشتند. ۳۱۴ هزار نفر در گروه علوم تجربی در دو نوبت صبح و بعدازظهر روز ۱۵ تیر به رقابت پرداختند که در نهایت ۱۹۶۰۰ نفر از آنها وارد دانشگاه خواهند شد. در روزهای ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ تیر ماه نیز آزمونهای گروه‌های علوم ریاضی، علوم انسانی، فنی و هنر انجام شد. مجعوه‌ها امسال حدود ۶ هزار نفر از داوطلبان کنکور به دانشگاه‌های کشور راه می‌یابند. تاریخ اعلام نتایج کنکور اواخر شهریور ماه ذکر شده است. بیش از یک سوم ظرفیت پذیرش دانشگاه‌ها به داوطلبین معرفی شده از سوی نهادهای حکومتی همچون سپاه و بسیج و جهاد و بنیاد شهید و غیره اختصاص دارد.

پاسخ احمد خمینی به نامه ۲۱۰

تن از نمایندگان مجلس

در پی درخواست ۲۱۰ تن از نمایندگان مجلس و همچنین صدور قطعنامه ائمه جمعه مبنی بر پذیرش پست ریاست مجلس از طرف احمد خمینی، نامه‌ای در پاسخ به این درخواست از طرف وی صادر شد. وی در این نامه به هدم آمادگی روحی و جسمی خویش اشاره کرده و از درخواست کنندگان طلب فرصت نموده تا ناراحتیهای روحی و جسمی ناشی از مرگ پدرش برطرف شود.

ژانویه گذشته قراردادی مبنی بر قطع نبرد میان این دو نیرو به امضا رسیده بود ولی این درگیریها از دو هفته پیش در بیروت و در مناطق تحت کنترل ارتش سوریه مجدداً از سر گرفته شد که در طی آن بیش از صد نفر از طرفین به هلاکت رسیده‌اند.

ولایتی در سفر خود ضمناً با ولید جنبلاط دبیر کل حزب سوسیالیست لبنان نیز دیدار و گفتگو کرده است.

در تهران نیز در طی هفته گذشته ملاقاتهای متعددی میان سران گروه‌های "حزب الله" و "امل" و دو گروه فلسطینی نامبرده با مقامات مختلف حکومت صورت گرفته است.

نییه بری رهبر سازمان "امل" اعلام کرده قصد دریافت کمک‌های نظامی از رژیم ایران را دارد.

حکومت اسلامی برای یافتن جای پای محکم در لبنان بلاکشیده و در سودای ایجاد حکومت اسلامی در لبنان مطابق آنچه که در ایران وجود دارد و همچنین برای دخالت در امور فلسطین از طریق یافتن دوستانی در میان گروه‌های فلسطینی سعی می‌کند از طریق بذل و بخشش‌های هنگفت مالی و تحویل اسلحه به این گروه‌ها، آنان را به جانبداری از خود جلب نماید.

در تهران اعلام گردید که روز شنبه ۱۷ تیر ماه نییه بری رهبر سازمان شیعیان لبنان "امل" و سیدحسین نصرالله و شیخ صبحی طفیلی از سران گروه حزب الله همراه با ولایتی وارد تهران شدند. ظاهراً ورود این هیئت برای شرکت در مراسم "اربعین" خمینی اعلام شده است. در همین ارتباط اعلام شد که شیخ حسین فضل الله نیز در تهران حضور دارد. مطابق همین خبر همراه با سران گروه "حزب الله" و "امل" لبنان، رهبران دو گروه فلسطینی احمد جبرئیل فرمانده جبهه خلق برای آزادی فلسطین (فرماندهی کل) و ابوموسی رهبر جبهه نجات ملی فلسطین که بخش انشعابی از سازمان "الفتح" به رهبری یاسر عرفات می‌باشد نیز وارد تهران شده‌اند.

ولایتی که در طی سال جاری سه بار از سوریه دیدن کرده است در سفر اخیر خود به دمشق ضمن دیدار با "فارق‌الشرع" وزیر خارجه سوریه با سران گروه‌های "حزب الله" و "امل" لبنان برای پایان دادن به درگیری‌های خونین میان دو گروه نامبرده گفتگو کرده است.

لازم به یادآوری است که بواسطه میانجی‌گری دولت سوریه و حکومت اسلامی در

صلل کمبو د آب تهران از دیدگاه مدیر عامل سازمان آب تهران



پی‌آبی و گرمای شدید خزانی زود سر را در تهران پدید آورده است. عکس خیابان مصدق در تیرماه را نشان می‌دهد.

مدیر عامل سازمان آب تهران اعلام کرد "گرمای بیسابقه هوا در چند روز اخیر، و مصرف بی‌رویه و بیش از حد مردم بخصوص در نواحی شمالی تهران که خارج از امکانات فنی سازمان آب می‌باشد، هزل قطع آب در بعضی از نواحی شمال شهر است." وی اشاره کرد: "اگر مصرف روزانه شهروندان بیش از دو میلیون مترمکعب باشد، محدودیتهایی برای سازمان آب وجود خواهد داشت و احالی شمالی تهران در صورتیکه در مصرف آب صرفه‌جویی نکنند، در شبکه قطع آب خواهیم داشت و جز استفاده از سیستمهایی نظیر تانکر هیچ وسیله دیگری برای رساندن آب به آنان در اختیار ما نیست." وی گفت: "مردم باید از مصارف غیر ضرور نظیر پر کردن استخر، شستن ماشین و حیاط و آب دادن به باغچه‌ها با آب شهری خودداری کند و گرنه قطع آب بوجود می‌آید و برای به جریان افتادن آن در شبکه، زمان لازم است." وی در ضمن به مردم هشدار داد که در صورت هدم توجه به امر صرفه‌جویی آب، آب آنها قطع خواهد شد. وی اشاره کرد: "با توجه به رشد جمعیت حداقل سالانه بایستی برای ذخیره یک صد هزار مترمکعب آب، مخزن ساخته شود که به دلیل مشکلات استهلاک زمین، تجهیزات و مصالح مورد نیاز قادر به تامین این میزان نیستیم."

محکومیت مجدد ایران در دادگاه لاهه

مردم ایران برداشت کرده‌اند. جمهوری اسلامی پس از افتتاح اشغال سفارت آمریکا در تهران و گروگان‌گیری دیپلمات‌های آمریکایی، با تمکین به دولت آمریکا و تلاش هجولانه برای حل مساله گروگان‌ها پس از ماه‌ها تاخیر به پای امضای قرارداد الجزایر رفت. وقتی در هر بده‌های تبلیغاتی خویش پیرامون گروگان‌ها راه به جایی نبردند، در الجزایر به زیان منافع مردم ایران شرایطی خفت بار را پذیرفتند.

تا امروز شرکت‌ها و اشخاص آمریکایی میلیاردها دلار به عنوان فراموشی ناشی از انقلاب ایران از دارایی‌های مردم ایران برداشت کرده‌اند. جمهوری اسلامی پس از هر حکم دادگاه که منجر به برداشت فراموشی از حساب ایران شده، برای لاپوشانی امر، در دستگاه‌های تبلیغاتی خود سروصدا می‌کند. به راه انداخته، از احکام "ناهادانه دادگاه لاهه" نالیده است. در حالی که خیانت عظیم به ملت ایران را خود مرتکب شده است. این خیانت با ندانم‌کاری و حزب‌الله‌منشی و بی‌برنامگی و هدم اتکا به کارشناسان بصیر و میهن پرست تداوم یافته است.

در ادامه روند قرارداد خیانت بار الجزایر، میان ایران و آمریکا، دولت ایران در یک دهوی حقوقی دیگر در دادگاه لاهه محکوم به پرداخت فراموشی به یک شرکت آمریکایی شد. بر اساس حکم دادگاه، ایران موظف به پرداخت ۱۱۰ میلیون دلار فراموشی به شرکت نفتی فیلیپس آمریکا شد. این مبلغ شامل بدهی اموال شرکت فیلیپس در ایران، در آمد تضمینی این شرکت در مدت باقی مانده قرارداد ۲۰ ساله خود با ایران و ۱۰ درصد بهره برای ارسال (از سال ۱۹۷۹ تاکنون) می‌شود. در حالی که به اعتراف خود نشریات رژیم اصل طلب شرکت نفتی فیلیپس از ایران حدود ۶ میلیون دلار بوده است. با حکم دیوان لاهه، ایران مجبور به پرداخت ۱۱۰ میلیون دلار به این شرکت شده است. این مورد یکی از دفعات بیشماری است که دولت ایران در دعوای مالی با شرکت‌های آمریکایی که تا قبل از انقلاب در ایران فعالیت داشتند، شکست می‌خورد. تقریباً تمام شرکت‌ها و افراد آمریکایی (که برخی از آنها ایرانیان دارای تابعیت آمریکا هستند) در این دعوای پیروز شده و مبالغ نجومی از دارایی‌های

زمینه سازی برای بازپس فرستادن پناهندگان ایرانی

داده اند دستگیر کرده باشند. دولت آلمان که نمی‌تواند منکر دستگیر شدن متقاضیانی که به ایران بازگشت داده شده‌اند بشود و بر این تلاش است که ثابت کند آنها به خاطر تقاضای پناهندگی دستگیر نشده‌اند و بدین طریق بر همت اصلی تقاضای پناهندگی آنان سرپوش گذاشته می‌شود. این نقض صریح حقوق پناهندگی است. در ماه‌های اخیر در این کشور موارد متعددی از تصمیم‌گیری‌های جمعی در مورد رد تقاضای پناهندگی ایرانیان ترک‌دیوارگفته قبل از تشکیل رسمی جلسه ارگان تصمیم‌گیرنده مشاهده شده است. اعمال فشار بر پناهندگان و تشدید تبلیغات ضد خارجی به ویژه با قدرت گرفتن احزاب نژادپرست و نیروهای راست افراطی در کشور آلمان فدرال روند رو به گسترشی را نشان می‌دهد.

اخیرا دولت آلمان فدرال زمینه سازی‌های جدیدی را برای فرستادن ایرانیان متقاضی پناهندگی آغاز کرده است. دولت آلمان فدرال اعلام کرده است که: "متقاضیان پناهندگی از دولت آلمان در ایران تحت تعقیب قرار نمی‌گیرند". وزارت کشور آلمان در مقابل سؤال حزب سبزها اعلام کرد که: "این مسئله که متقاضیان پناهندگی از دولت آلمان در ایران تحت تعقیب قرار نمی‌گیرند بطور هلتی و مکررا از طرف سران حکومت ایران تضمین شده است و این قانع‌کننده است و امکانی برای شک باقی نمی‌گذارد. تاحال کشورهای اروپایی مختلفی پناهندگان رده شده را به ایران بازگردانیده‌اند و ما موردی را سراغ نداریم که دولت ایران آنها را فقط برای اینکه تقاضای پناهندگی

قرار داد استر داد افراد تحت تعقیب میان ایران و ترکیه

توافقی عکانه این دو کمیسیون در جریان دیدار دو روزه آنان صورت گرفته است. قرارداد فوق که در درجه اول متوجه استرداد اعضا سازمانهای سیاسی مخالف دو حکومت می‌باشد تحت عنوان استرداد افرادی که سابقه جرایمی دارند و تحت تعقیب می‌باشند اجراء می‌گردد.

در این قرارداد تصریح می‌گردد که دولت ترکیه باید همه جوانان ایرانی که از خدمت نظام گریخته‌اند به ایران بازگرداند. هر چند که مفاد این قرارداد و استرداد مخالفین سیاسی از جانب دو حکومت از مدتها پیش عمل می‌شده است ولی توافقنامه فوق به این اقدام جنایتکارانه دو حکومت صورت رسمی داده است.

روز شنبه ۱۷ تیرماه، میان ایران و ترکیه در زمینه استرداد مجرمین و همچنین برای مدرنیزه کردن ایستگاه‌های مرزی دو کشور توافقنامه‌ای به امضا رسید. خبر این توافقنامه در جریان دیدار اعضای کمیسیون‌های عالی مرزی دو کشور انتشار یافت. در کمیسیون عالی مرزی حکومت اسلامی زین‌العابدین مطایبی استاندار آذربایجان غربی و مرزبان کل و مسئولین وزارت خارجه و در کمیسیون عالی مرزی حکومت ترکیه "زکی چیلک" مدیر کل کنسولی وزارت خارجه ترکیه و معاونان استانداران استان‌های "اقری" "حکاری" و "وان" و نیز یک مسئول امنیتی رژیم ترکیه عضویت دارند. امضا این قرارداد در چارچوب

بمب گذاری در ...

بقیه از صفحه اول

یکی بودن عاملین هر دو واقعه باشد.

بجاست یادآور شویم که در نامه احمد خمینی به منتظری، احمد خمینی از حمل مواد منفجره به هرستان به عنوان واقعه‌ای که "گاهی هم ممکن است لو برود" یاد کرده بود و به این ترتیب نه فقط بر نقش جمهوری اسلامی در تظاهرات خونبار مکه در دوسال پیش بلکه بر اقدام آن برای حمل مواد منفجره به هرستان در جریان همان واقعه نیز مهر تأیید زده بود.

از سوی دیگر، گرچه سران کشورهای عربی تنها به محکوم کردن بمب گذاری اخیر اکتفا کرده و در این باره که مسببین آن کی‌اند اظهار نظری نکردند، روزنامه‌های عربی این اقدام را یک اقدام

تلافی جویانه از طرف جمهوری اسلامی دانستند. خوانندگان اطلاع دارند که امسال دومین سالی است که جمهوری اسلامی بادستاویر قرارداد سمیه زائری که دولت هرستان برای هر کشور اسلامی تعیین کرده است، از اهزام زائری ایرانی به هرستان خودداری کرده است.

لازم به ذکر است سازمانی به نام "انسل خشمگین عرب" مسئولیت انفجار را به عهده گرفته است و دلیل آن را اقدام هرستان سعودی در به رسمیت شناختن حق موجودیت و امنیت دولت اسرائیل اعلام کرد. سازمان مذکور همچنین تهدید کرده است که به همین دلیل رهبران هرستان را به هلاکت خواهد رساند.

پیروز باد مبارزه خلق در راه

سرنوینی رژیم جمهوری اسلامی!

بقیه از صفحه ۱۲

ذهنیت این ارگان بی‌خاصیت شده حذف گردیده بود.

نخستین کاندیدای اعلام شده برای صدر شورای عالی، میخائیل گارباچف بود. در بحثی داغ و باز پیرامون نامزدی گارباچف، مسائل، سوالات و انتقادات گوناگون مطرح شد. از جمله مهم‌ترین مسائل این بود که عده‌ای از نمایندگان اقدام این پست و دبیرکلی حزب کمونیست را ناصحیح می‌دانستند. زیرا بر آن بودند که این امر قدرت فراوانی را در دست یک نفر متمرکز می‌کند و می‌تواند منجر به سد کردن مجدد کار ارگان‌های شورائی توسط دستگاه حزبی شود. حتی پیشنهاد شد که گارباچف برای احراز این مقام از پست دبیر اولی حزب کناره‌گیری کند. آکادمیسین آندره ساخاروف در این مورد اعلام کرد: "من در سخنرانی‌هایم، بارها از کاندیداتوری م. س. گارباچف حمایت کرده‌ام و این موضوع را ادامه خواهم داد. در شرایط امروز کسی دیگری که مثل او بتواند کشور را اداره کند، وجود ندارد." وی در همین حال پیشنهاد کرد که این انتخابات با شرکت نامزدهای گوناگون صورت بگیرد و هریک از آن‌ها برنامه سیاسی خود را ارائه کنند. ساخاروف معتقد بود: "میخائیل گارباچف به مثابه آغازگر پریسترویکا و کسی است که نامش با این پروسه و رهبری کشور در ۴ سال اخیر پیوند همه جانبه دارد. او باید در مورد این ۴ سالی که گذشت، دستاوردهایش، خطاها و انتقاداتی که وارد می‌بیند، صحبت کند و مهم‌تر از آن بگوید که در آتی، برای غلبه بر این اوضاع دشواری که کشور در آن قرار دارد، چه خواهد کرد."

گارباچف در پاسخ به سوالات و انتقاداتی که مطرح شده بود، در مورد مسئله اقدام دو مقام دبیر اولی حزب و صدر شورای عالی گفت: "در شرایط مشخص کنونی، در مرحله همین امروزین رشد جامعه معتقدم که رهنمود کنفرانس ۱۹ حزب برای اقدام این پست صحیح و لازم بود. زیرا پروسه فرم‌های سیاسی، روند تفکیک وظایف حزب به مثابه پیشاهنگ جامعه و رهاساختن آن از امور دولتی و اقتصادی- روتدی است که تازه آغاز شده است. انجام همین کار بدون تکیه بر حزب در این لحظات، خوب پیش نخواهد رفت."

کاندیدای دیگر احراز این

گامی استوار به پیش

گزارشی از نخستین کنگره نمایندگان مردم شوروی

مقام، الکساندر ابولنسکی نماینده فیر حزبی، مهندسی از لنینگراد بود که توانست تنها ۶۸۹ رای بیاورد. سومین نامزد برای این مقام، بوریس یلتسن پیشنهاد شد. او در بحث پیرامون کاندیداتوری خود گفت که در شرایط کنونی تصمیم کنفرانس ۱۹ در مورد اقدام دو پست و تصمیم پلنوم ماه مه کمیته مرکزی ح. ک. ش. که گارباچف را برای این مقام پیشنهاد کرده است را باید مورد توجه قرار داد و ادامه داد: "در پلنوم از من سوال شد که آیا تصمیم آن را اجرا خواهیم کرد و من پاسخ دادم که حتماً من به مثابه یک کمونیست آن‌ها را اجرا می‌کنم. زیرا من طرفدار پریسترویکا و پیشرفت آن - فقط به شیوه‌ای قاطع‌تر و جدی‌تر - هستم. لکن در آنجای مهمتغ دادم. زیرا در هر حال نظرم آن بود که می‌باید، حتی برای نمونه هم که شده کاندیدای الکترا تیبو وجود داشته باشد. برای آنکه جوان‌های ما با این روح پرورش یابند و در آتی در این راستا گام‌های دیگری به جلو برداشته شود." یلتسن نامزدی خود را برای این مقام پس گرفت. در رای‌گیری مخفی برای نامزدی م. س. گارباچف ۲۱۲۳ (یعنی ۶۹۵ درصد) رای به نفع او و ۸۷ رای منفی شمارش شد و به این ترتیب وی توسط کنگره به مقام صدر شورای عالی اتحاد شوروی برگزیده شد.

اقلیت، اکثریت، فراکسیون

پس از انتخاب ۲۷۱ نماینده برای شورای ملیت‌ها و همین

تعداد برای شورای عالی که در واقع ارگان‌های ثابت و همیشگی قانون‌گذاری هستند، بحث دافعی پیرامون آن در گرفت. عده‌ای از نمایندگان بر آن بودند که خواست‌های اقلیت در ترکیب این ۴ شورا مورد توجه قرار نگرفته است. یوری آفاناسیف (رئیس انستیتوی دولتی آرشیو تاریخی)، شورای عالی را "استالینی-برژنفی" خواند و انتخابات مذکور را سیاست تهاجمی اکثریتی که گوش به فرمان است، نامید. پس از اوگ. پوپف (سر دبیر نشریه "مسائل اقتصادی") گفت که نمایندگان دارای سمت‌گیری دمکراتیک، الزاماً در این کنگره اقلیت را تشکیل می‌دهند. ما این را می‌دانستیم ولی با شور و شوق فراوان به کنگره آمدم. در مقابل ما ۲ حالت وجود داشت. اول آنکه اپوزیسیون بهمانیم، دوم - در کار کنگره به شکل سازنده‌ای مشارکت کنیم. ما راه دوم را برگزیدیم. این امید که باتکیه بر اصل پلورالیسم عقاید، اقلیت بتواند به شیوه‌ای طبیعی در مراحل مختلف کار، تاثیر مفید بگذارد، لکن به وضوح می‌بینیم که دستگاه حزبی به شکل کینه توزانه‌ای می‌خواهد روند کنگره را به سود خود پیش برد. در ترکیب شورای عالی نیز روشن است که دستگاه حزبی، پیروزی به دست آورده است. و هشدار داد: اگر کسی امیدوار است که باتکیه بر رای اکثریت و چنین ترکیبی از شورای عالی می‌تواند اوضاع کشور را تغییر دهد، همیقا به خطا رفته است. البته همواره می‌توان اقلیت را نادیده گرفت. در زندگی سیاسی چنین مواردی همیشه ممکن است. اما ما همین رای اکثریت، همواره چاره کار نیست.

سخنران پیشنهاد کرد که گروه‌های فیر وابسته نمایندگان، بر حسب سمت‌گیری‌های برنامه‌ای و هلیاق‌شان شکل بگیرد که مستقل از محل انتخاب آن‌ها بتواند گردهم آید و در واقع فراکسیون پارلمانی تشکیل دهد.

پیشنهاد تشکیل فراکسیون، اوضاع کنگره را به طور جدی متشنج نمود. گارباچف بر آن بود که این پیشنهاد، کنگره را به انشعاب تهدید می‌کند. ی. یاکولف (سر دبیر نشریه "اخبار مسکو") گفت که به جای صرف نیرو برای تشکیل فراکسیون، بیانیید نیرویمان را صرف کار سازنده نهائیم. وی در همین حال پیشنهاد کرد که در کنگره آینده تدابیری اتخاذ شود که برای حقوق اقلیت، تضمین‌هایی بوجود آید. کاراوپنکو (مدیر خبرگزاری تاس) گفت که چندی پیش در امریکا بوده و در آنجا شنیده است که تحلیل‌گران امریکایی روی تشکیل یک فراکسیون اپوزیسیون ۴۰۰-۳۰۰ نفری حساب می‌کرده‌اند به اعتقاد او کسانی که مدعی دمکراسی هستند، وقتی تحصیل‌اندیشه دیگری فیر از خود را ندارند. خواه این اندیشه متعلق به اکثریت هم باشد. باید در دمکرات بودن آنان شک کرد. چنگیز آیتما توف (نویسنده)، نمایندگان مسکو را خطاب قرار داد و پرسید: اگر ما کنگره را به جایی ببریم که در آن فراکسیون تشکیل شود، نیروی ما بین گروه‌بندی‌های مختلف و درگیری میان آن‌ها تقسیم شود و به هدر رود، آیا ما نجات خواهیم یافت؟ و پاسخ داد که فراکسیون مسائل ما را حل نخواهد کرد. من آغازی خوش و انرژی مثبت در این

بقیه در صفحه ۸

گامی استوار به پیش

بقیه از صفحه ۷

کار نمی بینم. ادامه چنین کاری روابط ما را تخریب می کند، احساسات را بر منطبق پیروز می کند و به زیان پرسترویکا خواهد بود. تنها کهنه اندیشان و طرفداران تصور قدیمی از سوسیالیسم از این حرکت خوشحال می شوند، کار ما تنها آپ به آسیاب محافظه کاران خواهد ریخت. وی بآورد، برخی از نمایندگان اقلیت را مورد خطاب قرار داد و گفت: ما سال هاست که مهدیگر را می شناسیم و خوب می فهمیم. آیا همین پراکندگی ما نبود که دوره رکود را طولانی تر کرد؟

پس از بحث مفصل پیرامون این مسئله، گ پوپف به عنوان جمع بندی اعلام کرد: "من با نکاتی که توسط رفیق ارجمند آیتامتوف اظهار شد، موافقم. گمان می کنم تا زمانی که حتی ذره ای امکان برای کار مشترک وجود دارد، باید با هم کار کنیم. همیشه معتقدم که چنین امکانی هست. به این لحاظ می خواهم که بیش از این بحثی در مورد فراکسیون نباشد. ما آماده به کاریم، پس بیائید شروع کنیم."

تنوع اندیشه ها

کنگره به اذهان همه، مینیا توری از جامعه شوروی بود که در آن تمامی اندیشه های موجود در جامعه به شکلی منعکس می شد. در بحث پیرامون گزارش گارباچف، این گونه گونی به دقیق ترین شکلی انعکاس می یافت. فضای دمکراتیک ایجاد شده در کشور، که کنگره تجلی بارزی از آن بود، به همه نمایندگان اجازه می داد که همان گونه که می اندیشند، بی هیچ محدودیتی به بحث و اظهار نظر بپردازند.

بوریس یلتسن (نماینده مسکو) در سخنرانی اش گفت: در کنگره مسئله ای اساسی مورد تصمیم گیری است که آینده مردم و کشور بستگی به آن دارد. سخن بر سر قدرت سیاسی است که باید به خلق در چهره نمایندگان یعنی شورای عالی تعلق داشته باشد. من در پلنوم اخیر کمیته مرکزی پیشنهاد کردم که قدرت به طور واقعی از حزب به شورای عالی تفویض شود ولی این پیشنهاد مورد حمایت قرار نگرفت. بار

دیگر کسانی برای رهبری کشور از سوی حزب توصیه شدند که نتوانسته اند کشور را از بحران اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نجات دهند. مسئله قدرت دولتی و رهبران که باید در خود کنگره بررسی شود، در پلنوم حزب تصمیم گیری شد و برای ما تنها کشور را بسیار حاد و خطرناک تصویر کرد و گفت که نیروی محافظه کار و ضد پرسترویکا در حال فعال شدن و قدرت گیری است. به اعتقاد یلتسن، نشریات کشور هم چنان مثل گذشته تحت کنترل گروهی از افراد است و انعکاس تنوع جامعه نیست، سیستم اداری - فرماندهی از بین نرفته است، قدرت مثل گذشته در دست دستگاه بورکراتیک - حزبی است، قول هایی که در هر ۴ سال گذشته به مردم داده شده، انجام نگرفته است، زندگی مردم حتی بدتر هم شده، انتقاد از خودی که در سخنرانی رفیق گارباچف وجود داشت، بار مسئولیت راز دوش او در این موارد بر نمی دارد.

وی پیشنهادات خود را به شکل زیر فرمول بندی کرد: عدم تمرکز قدرت سیاسی و اقتصادی، بازسازی دستگاه اداری کشور (که منشاء خطر بازگشت به گذشته است)، انتخاب مستقیم رهبری کشور توسط مردم از میان کاندیداهای مختلف، وضع قوانین درباره حزب و تعیین حدود اختیارات آن در جامعه، متوقف کردن برنامه سراسر اشتباه ۵ ساله اقتصادی دوازدهم و برنامه ریزی جدید، فراتراند همه ساله در مورد رهبر کشور، در مورد حزب او اضافه کرد: پروسه دموکراتیزه شدن حزب به طور جدی از درجه دموکراتیزه شدن جامعه، عقب مانده است. اتوریته حزب در میان مردم، افت کرده، برای حل مسائلی که حزب بدان دچار است، باید کنگره ۲۸ زودتر از موعد مقرر تشکیل شود. نمایندگان کنگره از میان تمام اعضای حزب با شرکت کاندیداهای گوناگون و به طور مستقیم از سازمان های اولیه انتخاب شوند. در کنگره باید نظریه عمومی پرسترویکا، استراتژی و تاکتیک پیشبرد آن، پاکسازی صفوف حزب بررسی شود و ترکیب جدید کمیته مرکزی انتخاب شود، زیرا که ترکیب کنونی، قادر به انجام وظایف خویش نبوده است.

نظر بایف، رئیس شورای وزیران جمهوری گازاخستان در

سخنرانی اش اشاره کرد که ما نباید با شورای وزیران و وزرای کشور مبارزه کنیم. ترکیب کنونی شورای وزیران، ترکیب سال ۱۹۸۴ نیست. بسیاری از آن ها رهبران لایق موسسات تولیدی در گذشته بوده اند. لکن آن ها هم نتوانسته اند سیستم هملکرد ادارات و وزارتخانه ها را تغییر دهند. لذا باید خود سیستم را عوض کرد. با جابجائی افراد، کاری از پیش نمی رود. ما باید شرکت ها، مجتمع ها و کنسرن های عظیمی بوجود آوریم که خودشان رهبران خویش را برگزینند، ارگان های خود را در مرکز سازمان دهند و چشم انداز کارشان را هماهنگ کنند.

چرنیچنکو (مفسر بخش کشاورزی تلویزیون مرکزی) که ۴۵ سال سابقه حزبی دارد هشدار داد وقتی که بخشی از حزب اکثر کارها را انجام می دهد، خطر توطئه از سوی بخش دیگر پدیدار می شود. به اعتقاد او مردم در انتخابات، حزبی های معتقد و پیشرو را به دقت از کارمندان مطیع دستگاه حزبی تفکیک کردند. سخنرانی های او پلنوم آوریل ۸۹ کمیته مرکزی را انتقام جوئی دسته دوم خواند. در مورد مسائل کشاورزی او اظهار تعجب کرد که چرا به نقش مخرب دستگاه حزبی در این امر هیچ انتقادی نمی شود، در شرایطی که حتی یک تار موز سر هیچ چارپائی بدون موافقت بخش کشاورزی کمیته مرکزی کم نمی شود. او انتصاب ایگور لیسگاف مسئول کشاورزی در هئیت سیاسی را به دلیل عدم اطلاع از این امر، مورد انتقاد قرار داد. وی از دولت سوال کرد: کدام عقل سلیمی می تواند به من توضیح دهد چرا ۲۱ میلیون تن ارزن از خارج خریداری شده در حالی که بیش از ۲ برابر نیاز کشور را خودمان تولید می کنیم.

یغوشنکو (شاعر و نویسنده) رهبران سابق حزب کمونیست اتحاد شوروی را زیر حمله شدید گرفت و گفت این ها حزب را به حزب مدال دهندگان به خود تبدیل کردند و با شعار "انتخاب بر حزب" شروع به کشتار میلیون ها زخمکش، فساد و رشوه خواری، ویرانی اقتصاد و به تزلزل گاه فرستادن بچه های ما در افغانستان کردند. به اعتقاد سخنران، خدمت تاریخی بخش خلاق حزب و شخص گارباچف در اتخاذ شجاعانه مشی نوین سیاسی بود. لکن این سیاست جدید با نیروی قدیمی ماند در

حزب همخوان نیست و این در حالی است که حزب قدرت انحصاری در کادر رهبری شوراهای دولت دارد. او سوال کرد که مادر مقابل ۱۵۵ میلیون بزرگسال غیر حزبی فقط ۲ میلیون عضو حزب داریم ولی چرا در میان شورای وزیران حتی یک نفر غیر حزبی وجود ندارد، چرا حتی شکل روز روشن با چراغ نمی توان یک مدیر موسسه تولیدی که غیر حزبی باشد را یافت؟ وی ادامه داد که در کنگره به نیروهای به اصطلاح پنهانی سازمان یافته اشاره می شود که به حزب حمله می کنند ولی واقعیت آن است که تعداد ما غیر حزبی ها در کنگره فقط ۲۹۲ نفر یعنی ۱۳ درصد است. بحث در این جا در واقع، بین خود حزبی ها، بحث درون حزبی است.

گارباف، صدر شورای عالی جمهوری لیتوانی خواستار تغییرات در قانون اساسی در زمینه حقوق جمهوری ها و ملیت ها شد که ایجاد شکل کاملاً نوینی از فدراسیون را در کشور تاجمین نماید، به ترتیبی که هر جمهوری در سرزمین خود قدرت اصلی را داشته باشد و در سطح کشور هر جمهوری، پایه اولیه و فدراسیون کل کشور محصولی از آن ها باشد. تنها جمهوری ما بتواند به فدراسیون اختیار معینی بدهند و یا باز پس گیرند. باید منابع طبیعی، رمیی و آب در هر جمهوری متعلق به همان جمهوری باشد تا بتوان به طور واقعی از استقلال اقتصادی آن سخن گفت. جمهوری های مستقل نباید هیچ محدودیتی در قانون گذاری برای خود داشته باشند و اختیارات فدراسیون در این زمینه باید محدود شود. به اعتقاد سخنران، تحقق اصل لنینی فدراسیون سوسیالیستی، احترام به حق هر ملت برای خودگردانی است. واقعیت آن است که روابط معقولانه و احترام آمیز بین جمهوری ها و مرکز وجود ندارد و همین امر مبنای تشنج در جمهوری های کرانه بالتیک است که گاه رنگ ناسیونالیستی و یا شوونیستی به خود می گیرد. سخنران تاکید داشت که مسئله ملی را نمی توان از طریق رفوندام حل کرد. راه حل آن جستجوی صبورانه برای یافتن راه حل مشترک است. به جای استهتاب یا اولتیماتوم باید به گفتگوی سیاسی نشست. مسائل سیاسی را باید با وسایل سیاسی حل کرد.

یوری واسلف (نویسنده - نماینده از مسکو) گفت: برای

محدود کردن قدرت دستگاه حزبی، باید یکی از اهرم‌های حیات آن یعنی کا،گ،ب (کمیتة امنیت دولتی) را تحت کنترل مردم قرار داد. بحث نه بر سر شاخه خارجی که کشور را از دشمن خارجی مصون می‌دارد، بلکه بخش داخلی آن است. با توجه به تجارب تلخ سال‌های گذشته و کشتار میلیون‌ها تن توسط این بخش نباید بی‌تفاوت ماند. به اعتقاد سخنران، انتصاب رهبری کا،گ،ب باید توسط کنگره نمایندگان خلق صورت گیرد، تعداد کارکنان آن، بودجه‌اش و گزارش کارش باید به نمایندگان مردم ارائه شود.

ماسالیوف (دبیر اول حزب کمونیست قرقیزستان) در سخنرانی خود اظهار داشت: کار گاه تا جایی پیش رفته که به ارزش‌های مقدس ما نیز توهین می‌شود. فراخوان "بازگشت از اکتبر به فوریه" مطرح می‌شود، سعی می‌شود که حتی روی لنین سایه انداخته شود. عده‌ای با سواستفاده از دمکراسی برای هموار کردن راه جاه‌طلبی‌های خود دست به بدنام کردن چهره‌های برجسته حزبی و دولتی زده‌اند و برای این کار رسانه‌های گروهی را نیز به خدمت گرفته‌اند. آنها تا حدود معینی موفق شده‌اند در جامعه فضایی را بوجود بیاورند که برخورد منفی نسبت به کارکنان کمیته‌های حزبی به مثابه بوروکرات، نتیجه آن است. البته در میان آنها (مثل همه اقشار و از جمله روشنفکران) بوروکرات وجود دارد ولی مسئله آنجاست که با انتقاد به دستگاه حزبی، آنها خود حزب را زیر حمله مستقیم گرفته‌اند. زیرا هیچ حزبی بدون دستگاه حزبی همنی ندارد.

گورشنف (سرکارگر کارخانه هواپیماسازی تاشکند) گفت: برخی سخنرانی‌ها تلاش دارند ثابت کنند که مقصر اصلی بدبختی‌ها و فقر ما، حزب است و خواهان طرد حزب از رهبری کشور هستند. لکن نباید حزب، بلکه آن نیروهایی را طرد کرد که به حزب رخنه کرده‌اند و با کارت حزبی به شکل آشکار و پنهان علیه پرسترویکا مبارزه می‌کنند. آیا همین حزب نبوده که پرسترویکا و هلنیت را در جامعه تبلیغ کرد و برای آن مبارزه می‌کند. به نظر سخنران نیروهایی واقعی در جامعه هستند که در تلاش برای از هم پاشیدن اتحاد جمهوری‌ها، تغییر نقشه کشور، ایجاد هرج و مرج هستند. اینان امثال "لینا اندریونا"ها، سازمان "اتحاد دمکراتیک" و

گروه "یاد" هستند که هیچ ربطی به نیروهای دمکراتیک ندارند. برخی‌ها تلاش دارند، نمایندگان مسکو را نیز در کنار اینان قرار دهند. در حالیکه من اعلام می‌کنم که کار گروه مسکویه مایادمی‌دهد که چقدر مهم است که نسبت به مسائل بی‌تفاوت نباشیم. از نمایندگان جمهوری‌های کرانه بالتیک نیز ما فرهنگ پارلمانی را می‌آموزیم و باید از آنها سپاسگزاری کرد.

به‌گمان سخنران روند پرسترویکا هنوز بازگشت‌ناپذیر نشده است. لذا باید به مکانیزم‌هایی بازگشت‌ناپذیری آن اندیشید. این خطر وجود دارد که رهبری که در این کنگره برگزیده‌ایم نتواند ایده‌های پرسترویکا (که خود مبدع آن بوده است) را پیش ببرد. این نیروهای بازدارنده هر ایده ترقیخواهانه‌ای را در میان انبوه کافزها مدفون می‌کنند. اینها در شورای وزیران، کمیته‌های اجرایی حزب حضور دارند. نباید اجازه داد که حادثه اکتبر ۱۹۶۴ (برکناری خروشچف) بار دیگر تکرار شود.

چنگیز آیتامتوف در کنگره گفت: زندگی، ضرورت تلفیق ماهرانه انواع گوناگون مالکیت‌ها، توأم کردن انواع مختلف روابط تولیدی در حداکثر شرایط ممکن در سوسیالیسم را به دستور روز بدل کرده است. نباید مفهوم سوسیالیسم را به یک شمایل مقدس تبدیل کرد. نباید برای سوسیالیسم دعا کرد بلکه سوسیالیسم باید با تجهیزات بیشتر و اشکال کار شده، در خدمت مردم و برای رفاه آنان باشد. زمانی که ما داشتیم فال می‌گرفتیم، دیگران را محکوم می‌کردیم و خود را می‌آراستیم و دنبال آن بودیم که سوسیالیسم چگونه باید باشد، خلق‌های دیگر آن را بدست آورند، ساختند و از ثمراتش لذت می‌برند.

در همین آنکه ما با تجربه خویش، خدمت بزرگی به آنها کردیم یعنی که به آنها نشان دادیم چگونه نباید سوسیالیسم ساخت. فرضم جوامع حقوقی متمدنی مثل سوئیس، اتریش، فنلاند، نروژ، هلند، اسپانیا و بالاخره کانادا در آن سوی اقیانوس است. درباره سوئد دیگر چیزی نمی‌گویم اینها نمونه‌هاست. مرد متوسط کارگران در این کشورها دست کم ۴-۵ برابر کارگران ماست. تامین اجتماعی و سطح رفاه زحمتکشان این کشورها را ما مگر فقط به خواب ببینیم. واقعیت همین است. سوسیالیسم

اتحادیه‌های کارگری، اگرچه این کشورها خود را سوسیالیستی ننامند، لکن از این امر وضع‌شان بدتر نخواهد شد. چرا ما خود را اسیر سوسیالیسم بی‌حرکت خویش کردیم؟ چرا معدنچی‌ها برای آنکه به او اتومبیل بفروشند باید اعتصاب فضا کنند در حالیکه در کشورهایی که نام بردم، می‌توانی اتومبیل را مثل کفش انتخاب کنی؟ مفهوم سوسیالیسم نه در این اصطلاح، بلکه در مضمون و ماهیت آن است. بیایید فکر کنیم و تصمیم بگیریم که آیا سوسیالیسم استالینی می‌تواند ما را به پیش برد؟ قاطعانه نه، ما به این امر جدا متقاعد شده‌ایم. باید تمامی تجارب مثبت کشورهای پیشرو، متمدن و دارای سطح تکامل عالی را، تجارب دولت‌های حقوقی را مورد استفاده قرار دهیم. و اگر خودمان نمی‌دانیم، باید بیاموزیم که دیگران چگونه می‌توانند در شرایط سوسیالیسم واقعی زندگی و کار کنند.

خالیک (آکادمیسین از استونی) سخنرانی خود را چنین آغاز کرد: کنگره نمایندگان خلق با یک گسست ۶۰ساله پس از لنین، برای نخستین بار مسئله ملی را به شکلی باز مورد بحث قرار می‌دهد. حوادث طی این سال‌ها نشان داد خطری که لنین در وصیت‌نامه‌اش بدان اشاره می‌کرد، تا چه حد مهلک بوده است. ریشه تمام تشنجاتی که اکنون بر اثر مسئله ملی به وجود آمده، عدم تحقق ایده لنینی ایجاد شورای فدراتیو است. امپراطوری بازسازی شده توسط استالین، دولتی با چهره ندراسیون بود که خودگردانی مناطق در آن محو شده و اطاعت بی‌چون و چرا از مرکز، هسته اصلی آن بود. راه حل مشکلات کنونی ما در این هرصه به رسمیت شناختن مجدد حق ملل برای خودمختاری و ایجاد دولتی است که در آن اتحاد جمهوری‌های برابر حقوق و دارای حق حاکمیت تامین شده باشد.

در این ساختار باید خودگردانی وسیع ملی- منطقه‌ای و ملی- فرهنگی تامین شود. تجربه جهانی هم ثابت می‌کند که راه تمدن امروزین، راه همگرایی داوطلبانه خلق‌ها و نه تمرکز و اطاعت است. همگرایی فقط توسط خلق‌هایی آزاد که منافع‌شان به مثابه جریاناتی دارای حق حاکمیت به رسمیت شناخته شده و طبق توافق همه آنها، بوجود می‌آید. در سراسر جهان امروزه از میخائیل گارباچف نقل قول می‌آورند که هر

ملتی باید آزاد باشد که انتخاب تاریخی خاص خود را بکند. در درون دولت خودمان نیز ما باید چنین اتحادی از خلق‌ها را ایجاد کنیم که هریک با تضمین‌های حقوقی و سیاسی حقوق ملل و با آزادی، به مثابه جوامعی متمدن رشد و تکامل یابند.

لیزیچف (ژنرال ارتش) اظهار نگرانی کرد که در برخی مناطق کشور تبلیغاتی می‌شود که بر اساس آن تنها جنبه‌های منفی ارتش برجسته می‌شود و در راستای بدنام کردن آن عمل می‌کند. این تبلیغات هدفی جز کاستن از اعتبار ارتش نزد مردم ندارند. می‌گویند که ارتش باید به بخش‌های مختلف برحسب تقسیم‌بندی‌های ملی تقسیم شود. گاه‌هایی در برخورد با ارتشیان قوانین هم زیر پا گذاشته می‌شود و با افسران و خانواددهایشان بدرفتاری می‌کنند. ما هم از حوادث گرجستان مثل همه مردم متأثریم. اکنون هم در کنگره کمیسیون با‌اعتباری برای رسیدگی بدان تعیین شده. لکن عده‌ای سعی دارند تمام تقصیر در این حادثه را به گردن ارتش بگذارند. لکن اجازه دهید که کمیسیون کار خود را تا به آخر برساند. مطمئن باشید که ما نیز با گفته گارباچف مبنی بر آنکه "ارتش باید کار خود را بکند" موافقیم.

سخنران در ادامه اظهار داشت: زندگی نشان می‌دهد که جبهه تئوریک ما از سرهت روند سیاسی شدن جامعه عقب مانده است. جامعه‌شناسان ما نتوانسته‌اند پایه‌های زمان پیش بیایند. لذا در آگاهی اجتماعی مردم به‌ویژه جوانان، اندیشه‌هایی شکل گرفته که گویا همه چیز ما بد است. بر چنین زمینه‌ای روشن است که قدرت سازندگی و میهن‌پرستی رشد نخواهد کرد.

یارووی (مدیر کارخانه از جمهوری لیتوانی) نمایندگان جمهوری‌های کرانه بالتیک را محکوم کرد که اهداف ناسلمی در طرح شعارهای ملی دارند. وی به آخرین نشست "جبهه خلق" در ۳ جمهوری یاد شده و سند پایانی آن اشاره کرد که در آن آمده است: "شورای بالتیک بیانگر تلاش خلق‌های این منطقه برای ایجاد دولت‌هایی مستقل، بی‌طرف و دمکراتیک است" و مدعی شد که آنها قویا سازمان یافته و خواهان بازگشت به جمهوری بورژوازی‌اند.

ادامه دارد

اجلاس سران ۷ کشور صنعتی در پاریس

ادامه پیروزی‌های نظامی ...

بقیه از صفحه آخر

شهر کابل در روزهای اخیر تظاهراتی در اعتراض به کشتار مردم بی‌گناه به عمل آوردند. وی گفت که حکومت و ارتش توان آن را دارد که حملات مستقیم خود را علیه متمرکزیهای مجاهدین در پاکستان جهت‌گیری کند. سفیر افغانستان در هندوستان افزود پیشروی نیروهای دولتی افغانی به سوی مرز پاکستان همچنان ادامه دارد و ارتش از پیروزی‌های اخیر خود بر مجاهدین، برای مقابله با تهاجم بزرگی که از طرف پاکستان تدارک دیده می‌شود استفاده خواهد کرد.

حکومت افغانستان بر اساس اطلاعات موثقی که به دست آورده است اعلام کرد که حمله بزرگی از طرف مزدوران آمریکا، پاکستان و عربستان سعودی به همراه نیروهای ضدانقلابی افغانستان تدارک دیده می‌شود که هدف آن تصرف دو شهر بزرگ افغانستان است.

پتر تامسون فرستاده ویژه آمریکا در افغانستان این ادعای مجاهدین را که آمریکا در درگیری‌های جلال‌آباد اسلحه کافی در اختیار مجاهدین قرار نداده است را رد کرد. وی اشاره کرد که با وجود شکست‌های اخیر وضعیت همومی به نفع مجاهدین است.

نماینده وزارت خارجه شوروی یولی وروتسوف، آمریکا را به خاطر شرکت مستقیم در طرح نقشه تهاجم بزرگ علیه مردم و حکومت افغانستان مورد مذمت قرار داد و وی در مصاحبه‌ای با واشنگتن پست اظهار کرد آمریکا جدیداً مجاهدین را با سلاح‌های مدرن مجهز کرده است. شوروی در واکنش به این مسئله آمادگی آن را دارد که بمب‌افکن‌های مدرن میگ ۲۹ و مدل جدید هواپیمای جنگی سوخو را در اختیار افغانستان قرار دهد. وی اضافه کرد: "افسران آمریکایی به سرپرستی ژنرال نورمن شوارتسکوف همراه با نیروهای مجاهدین برای هجوم بزرگی که از طرف جنوب کابل و در منطقه تندهار انجام خواهد شد آماده شده‌اند. این نشان می‌دهد که حکومت آمریکا نیروی محرک برای ادامه جنگ در افغانستان است."

افغانستان خاتمه یابد و روابط دوستانه‌ای با پاکستان برقرار شود."

از چند روز قبل شورشیان حملات خود را به شهر کابل به تلافی شکست‌های پی‌درپی تشدید کرده‌اند. تنها روز شنبه ۸ ژوئیه، ۱۲ فیر نظامی در نتیجه حملات موشکی به قتل رسیدند که ۹ نفر آنها زن و بچه بودند. روز ۸ ژوئیه ۲۵ موشک به کابل پرتاب شد که به گفته شاهدان عینی یک ردیف انفجار و چند ساعت آتش‌سوزی به همراه داشت. در نتیجه اصابت یک موشک به ایستگاه اتوبوس در یک منطقه مسکونی در شمال کابل ۸ نفر جان خود را از دست دادند. دو نفر دیگر در نتیجه انفجار در جلو مسجدی در مرکز شهر جان باختند. در مرکز شهر موشکی به هتل کابل که مکان اسکان روزنامه‌نگاران و تجار خارجی است، اصابت کرد. شورشیان مورد حمایت آمریکا و پاکستان در هفته‌های اخیر به‌طور متوسط روزانه ۶ موشک به کابل پرتاب کرده‌اند. این موشک‌ها به مناطق مسکونی اصابت کرده‌اند.

سخنگوی دولت افغانستان اعلام کرد که در هفته گذشته به کابل ۵۰ موشک شلیک شده است که در نتیجه آن ۱۵ نفر جان باخته‌اند. صبح و شب سه شنبه مجدداً ۲۰ تا ۳۰ موشک به مرکز شهر کابل شلیک شده است. حکومت افغانستان نامه شکایت آمیزی به دفتر سازمان ملل در کابل نوشته و گفته است که راکت‌ها از طرف دولت پاکستان به شورشیان داده می‌شود. در آن نامه از پاکستان به‌هنوان عامل مستقیم کشتار مردم بی‌گناه نام برده شده و نتیجه‌گیری شده است که جمهوری افغانستان حق مسلم خود می‌داند که اقدامات متقابل به‌همل بی‌آورد. در نامه قید شده است که نیروهای رزمی افغانستان توان راکت‌باران مناطقی از پاکستان که از آنجا نیروهای ضدانقلابی تغذیه می‌شوند را دارد.

رادبوی کابل گلبدین حکمتیار را مسئول موشک‌باران شهر کابل معرفی کرد. سفیر افغانستان در هندوستان اعلام کرد، مردم به‌ما فشار می‌آورند که به پاکستان نشان دهیم چگونه موشک‌ها شهر را ویران می‌کنند. وی اضافه کرد که مردم کابل بعد از موشک‌باران

فرانسه و با این روزها قرار دارد. هفت کشور ثروتمند جهان که اینگونه خود را وارث انقلاب کبیر فرانسه قلمداد می‌کنند، مسبب مستقیم فقر و بدحکامی‌های نجومی میلیون‌ها نفر از مردم در کشورهای "جهان سوم" هستند. نژادپرستی، استثمار و استثمار همواره محور سیاست‌های آنها را تشکیل داده و میدهد. نگاهی به دستور کار آنها به روشنی نشان‌گر فقر و بدبختی است که آنها در جهان برجای گذاشته‌اند. مساله بدهی‌های عظیم کشورهای جهان سوم به کشورهای صنعتی و مقابله با بحران اقتصادی، در خود این ۷ کشور، محور اجلاس کنونی آنها را تشکیل می‌دهد.

اجلاس سران ۷ کشور فقیر جهان در پاریس

صورت دهد و در این ملاقات راه‌حل سیاسی این مساله یافته شود و نه راه‌حل مالی. سوم، ما اعتقاد داریم که شرایط دریافت وام که بیش از ۵۰ سال پیش در برتون وودز به هنگام تاسیس بنگاه‌های بین‌المللی مالی تدوین شده است، باید تغییر یابد. ما به برتون وودز جدیدی نیاز داریم. قوانین بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول فیردمکراتیک است. این قوانین تنها به کشورهای قدرتمند اختیار می‌دهد. در همین حال ما خواستار ایجاد یک صندوق بین‌المللی هستیم که از کشورهایایی که بیشترین انرژی را در جهان مصرف می‌کنند، به همان میزان مالیات دریافت دارد. به‌هنوان نمونه آلمان فدرال، فرانسه، ایتالیا و غیره باید به این صندوق مالیات بپردازند. این صندوق سپس باید به حمایت از آن کشورهایی بپردازد که برای پرداخت بدهی‌های خود مجبور به نابودسازی منابع طبیعی و جنگل‌های خود هستند."

هرچند که برگزاری اجلاس سران ۷ کشور ثروتمند در پاریس و صلح‌های ناجور بر جشن‌های سالگرد انقلاب فرانسه به نظر می‌رسد، ولی این امر نشان می‌دهد که هرچند به شکل کلاسیک آن اما باید هنوز باستیل‌های زیادی تصرف شوند.

Vive la revOlution زنده باد انقلاب! این روزها مردم فرانسه و بسیاری دیگر دویستمین سالگرد انقلاب فرانسه را جشن می‌گیرند. انقلابی که به قول راجیو گاندی نخست‌وزیر هند، به خاطر گرسنگی و توسط گرسنگان آغاز شد. اکنون در این رابطه قبل از هر چیز این اندیشه به ذهن خطور می‌کند که شعار "آزادی، برابری، برادری!" پس از ۲۰۰ سال اکنون تاجه میزان به تحقق پیوسته است. اجلاس سران هفت کشور ثروتمند جهان که به درخواست فرانسوا میتران از روز ۱۴ ژوئیه (روز جشن انقلاب) در پاریس آغاز شد، به راستی در تضادی زنده با اهداف انقلاب کبیر

به ابتکار "جامعه جهانی برای حقوق و آزادی خلق‌ها" سران ۷ کشور فقیر جهان هم‌زمان با اجلاس سران ۷ کشور ثروتمند جهان، در پاریس گرد آمدند. این ۷ کشور عبارتند از: بنگلادش، موزامبیک، بورکینافاسو، هائیتی، برزیل، زئیر و فیلیپین. هدف این اجلاس اعتراض به اجلاس ثروتمندان امپریالیست و سیاست فارتگرانه آنها در سطح جهانی است. لوسیانا کاستلینا، دبیر دوم "جامعه جهانی برای حقوق و آزادی خلق‌ها" که نماینده حزب کمونیست ایتالیا در پارلمان اروپا نیز هست، در مصاحبه‌ای پیرامون انگیزه تشکیل اجلاس سران ۷ کشور فقیر در پاریس گفت: "به مناسبت سالگرد انقلاب فرانسه سران ۷ کشور ثروتمند جهان دعوت شدند. ما می‌گوئیم پیام انقلاب فرانسه این است که "آزادی، برابری، برادری" را در مقیاس جهانی ببینیم و وضعیت خلق‌های فقیر و به‌کنار رانده شده را در نظر بگیریم"

کاستلینا پیرامون خواست‌های این اجلاس گفت: "در بیانیه‌ای که روز شنبه به تصویب می‌رسد، خواست‌های اصلی طرح می‌گردند. اول، بدهی‌ها باید حذف شوند. دوم، از دبیرکل سازمان ملل متحد خواسته می‌شود میان به‌دکاران و طلبکاران ملاقاتی

ملاقات نلسون ماندلا بانخست وزیر آفریقای جنوبی

دبیر کل جدید

حزب کمونیست یونان

کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان روز سه شنبه ۱۱ ژوئیه در پایان پلنوم دوروزه خود گریگوریس کاراکوس را به عنوان دبیر کل حزب برگزید. هاریلانوس فلوراکیس که از سال ۱۹۷۲ تاکنون دبیر کل حزب بوده است، پست جدید دبیر اول حزب را برعهده می‌گیرد. او در همین حال هم‌چنان رهبر اتحادیه چپ سیناس‌پسیموس است.

اعتصاب کارکنان راه‌آهن

انگلیس

برای پنجمین بار طی پنج هفته اخیر بزرگ‌ترین سندیکای راه‌آهن انگلیس، اعضای خود را به اعتصاب فرا خواند. این اعتصاب روز سه شنبه ۱۸ ماه ژوئیه صورت خواهد گرفت. سندیکای راه‌آهن انگلیس پیشنهاد افزایش حقوق شرکت راه‌آهن دولتی را نپذیرفته و آن را به عنوان اقدامی ناکافی رد کرد. در آخرین اعتصاب که در انگلیس صورت گرفت، حتی یک قطار نیز در سراسر انگلیس به حرکت در نیامد.

اعتصاب در سبیری

۱۲ هزار نفر از کارگران معادن ذغال سنگ در بخش غربی سبیری روز سه شنبه ۱۱ ژوئیه دست به اعتصاب و گرد همایی زدند. در گرد همایی تمام مردم شهر مشدورسنگ که بیش از ۱۰۰ هزار نفر هستند شرکت جستند. خواست‌های اصلی کارگران بهبود شرایط کار و زندگی در منطقه، بهبود توزیع مواد غذایی و بهتر شدن کیفیت لباس‌های کار می‌باشند. کمیته‌های اعتصاب که کمیونست‌های زیادی نیز عضو آن‌ها می‌باشند تاکید کرده‌اند که شعارها و خواست‌های افراطی و ضد شوروی ندارند. بر اساس گزارش روزنامه پرودا این اعتصاب روز پنج شنبه ۱۳ ژوئیه پس از پذیرش خواست‌های کارگران توسط حزب کمونیست اتحاد شوروی و وزارت‌های مربوطه پایان یافت.

اعتصاب غذای

معلمان گواتمالایی

معلمان گواتمالایی که از پنج هفته پیش در اعتصاب به سر می‌برند، از اول هفته گذشته وارد اعتصاب غذا شدند. این تصمیم، پس از عدم آمادگی وزیر آموزش و پرورش، گومز، برای مذاکره با معلمان که خواستار افزایش حقوق هستند، گرفته شد. اتحادیه معلمان که این اعتصاب را سازماندهی کرده است، دولت و نیروهای امنیتی را مسئول پی‌آمدهای احتمالی اعتصاب غذا خواند.

همچنین معلمان نگران اقدامات تروریستی باندهای سیاه مرگ هستند که در آمریکای لاتین مبارزان زیادی را به قتل رسانده‌اند.



پی‌یر بوتاه، نخست‌وزیر رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی، هفته گذشته به دیدار نلسون ماندلا، رهبر کنگره ملی آفریقا که از ۲۸ سال پیش در زندان به سر می‌برد، رفت. این ملاقات که چند ساعت به طول انجامید، از سوی خبرگزاری‌ها تفاهم‌آمیز خوانده شد. نلسون ماندلا در بیانیه‌ای که روز چهارشنبه ۱۲ ژوئیه منتشر ساخت، بیان داشت که تنها راه پایان دادن به حکومت زور در آفریقای جنوبی و ایجاد صلح، مذاکره دولت با نیروهای دموکراتیک مردمی و به‌ویژه با کنگره ملی آفریقا است. ماندلا گفت که در مواضع او در طی ۲۸ سال تغییری حاصل نشده است. او گفت که آزادی‌اش در حال حاضر مساله مهمی نیست و او بیشتر هلاقمند است در جهت ایجاد فضای صلح‌آمیز در آفریقای جنوبی گام بردارد.

ادامه هجوم به فرو شگاه هادر

آرژانتین

تنها دو روز پس از اعلام برنامه صرفه‌جویی رئیس‌جمهور جدید آرژانتین، «کارلوس منم»، هجوم به فرو شگاه‌ها و تاراج آنها مجدداً آغاز شده است.

کارلوس منم رئیس‌جمهور پرونیست که پیش از موعد مقرر ریاست‌جمهوری را برعهده گرفته است، اعلام داشت که کشور بطور کامل ورشکسته است و باید مردم خود را برای شرایط سخت آماده کنند. راه خروج از این وضعیت به عقیده او افزایش قیمت‌ها و خصوصی کردن واحدهای دولتی است.

در مدارس کره جنوبی

اعتصاب غذا

بیش از ۲۸۰۰ معلم مدارس کره جنوبی دست به اعتصاب غذا زدند. دولت و وزارت آموزش و پرورش کره جنوبی برای ممنوع کردن سندیکای تازه تاسیس معلمان کره جنوبی و اخراج معلمان عضو آن دست به تلاش گسترده‌ای زده‌اند. اعتصاب غذای معلمان در اعتراض به این اقدامات سرکوب‌گرانه صورت می‌گیرد. با همبستگی دانش‌آموزان با معلمان خویش، کلاس‌های صدها دبیرستان به طور کامل تعطیل شد برای جلوگیری از گسترش اعتراضات بیش از ده هزار نفر از دانش‌آموزان پیش از موعد به تعطیلات تابستانی فرستاده شدند.



در سالگرد انقلاب فرانسه برای احقاق حقوق خود می‌رزمند: ده هزار کارگران کارخانه اتومبیل سازی رنو که سه سال پیش به هلت فعالیت سندیکایی اخراج شده و مورد محاکمه قرار گرفتند.

ادامه پیروزی های نظامی دولت در افغانستان

نیروهای مجاهدین به نیروهای دولتی تسلیم شدند. از میان آنها واحدهای دناهی مسلح تشکیل گردید.

روزنامه های هندی روز ۸ ژوئیه گزارش دادند که ۳۰۰۰ مجاهد افغانی در درگیری های اخیر کشته شده اند. رادیو مسکو تعداد کشته شدگان را ۵۰۰ نفر اعلام کرد. مراکز مجاهدین این تعداد را مبالغه آمیز دانسته اند.

دکتر نجیب الله، رئیس دولت و دبیر اول حزب دمکراتیک افغانستان، پاکستان را در صورتیکه به مسلح کردن شورشیان و دخالت مستقیم در درگیری ها ادامه دهد به حمله متقابل تهدید کرد. وی اشاره کرد "اگر دخالت ها و حملات پاکستان علیه افغانستان تمام نشود ممکن است که جنگ از حیطة خاک افغانستان فراتر رود. حکومت افغانستان مایل است که جنگ در بقیه در صفحه ۱۰

ارتش افغانستان حلقه محاصره توسط مجاهدین در اطراف شهر جلال آباد را کاملاً درهم شکسته و ضربه سنگینی به آنها وارد کرد. بنابه گزارش های رسیده نیروهای دولتی منطقه ای در شرق شهر جلال آباد را که نیروهای ضد انقلاب چند ماه قبل به اشغال درآورده بودند دوباره متصرف شدند. به گفته شاهدان عینی عقب نشینی مجاهدین به طرف پاکستان فرارگونه بود بطوریکه سلاح های سنگین بسیاری سالم به دست نیروهای دولتی افتاد. تنها طی روزهای ۸ و ۹ ژوئیه مقدار زیادی سلاح و مهمات از جمله ۵۰۰۰ خمپاره، ۲۴۰۰ مین، ۱۷۰۰ موشک زمین به زمین به دست نیروهای دولتی افتاد. واحدهای نظامی مناطق زیادی در استان تنگهار را از دست باند هایی که جو ترور ایجاد کرده بودند، آزاد ساختند. در استان بلخ واقع در شمال افغانستان ۳۲۰ نفر از

گامی استوار به پیش

گزارشی از نخستین کنگره نمایندگان مردم شوروی

نهاد هم اساساً تقسیم مدال ها و نشان ها بود و از سایر امور مثل مباحثات پارلمانی، بحث پیرامون مشکلات و یافتن راه حل برای مسائل زندگی مردم - که در واقع باید اساسی ترین مضمون آن باشد، خبری نبود. دیالیتیک مبارزه پارلمانی به کلی از پراتیک و بقیه در صفحه ۷

اولین دستور کار کنگره، انتخاب صدر شورای عالی اتحاد شوروی بود. در بحث پیرامون این مسئله گفته شد که: «ویران گذشته در المپ شورای عالی، آرام، راحت و بی دردسر نشسته بودند، البته اگر جلسات سالانه را به حساب نیاوریم که بیشتر شبیه به یک تاتر بود. کار این

هشدار گارباچف درباره مسائل ملی

می کنیم. " گارباچف نمونه هایی از نتایج ناهنجاری ها "بی تفاوتی در برابر منافع ملی، مشکلات اقتصادی اجتماعی جمهوری ها، مسائل مربوط به خود مختاری، ناهنجاری در تکامل زبان و فرهنگ خلقها و سایر نووهای منفی که تشنج را پدید آوردند" "ما والاترین اصل هویتسم تمدن بشری، برابری ملل و خلقها است" "آیا روشن نیست که هواقب این تشنت و دشمنی دیوانه وار چه هواقب دردناکی ببار خواهد آورد؟ ما که تمام بشریت را به جهانی میرا از قهر و جبر فرا می خوانیم اکنون خود چه نمونه ای به آنان ارائه می دهیم؟"

دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی مطالبه کرد "پیش شرطهای ضرور برای پیشرفت اقتصادی و اجتماعی، تکامل آزادانه زبان و فرهنگ و استفاده هتلاپی محیط زیست" تضمین شود. "ضروریست که یک اصلاحات رادیکال سیاسی و اقتصادی تحقق یابد" "هر چه هر یک از ملل فنی تر و درخشنده تر رشد یابند وحدت شوروی مستحکم تر خواهد بود. بنابراین باید همه ملت به فراخوانهایی که عدم وابستگی اقتصادی و انزوای معنوی را منافع بنیادی هر یک از خلقها و تمام جامعه قلمداد می کنند با دیده بیگانه ای بنگردند" "ضمن نئی قاطع هر یک از اشکال تجلی ناسیونالیسم ضروریست به همه خواسته ها و آرزوهای مشروع ملی با ظرافت و حساسیت و هلاک و ابتکار برخورد شود."

میخائیل گارباچف در آغاز ماه کنونی طی هشدار دردناکی به مردم شوروی رجوع کرد. او گفت "سرنوشت نوسازی و تمامیت کشور ما بستگی به حل معضل روابط میان ملل دارد." "این واقعیت که در این اواخر در اینجا و آنجا بی ظرفیتی، تشنج و منازعات در زمینه ملی پدید می آید نمیتواند همه ما را نگران نکند... "من وظیفه خود میدانم نسبت به خطر افزایش یابنده تشدید روابط میان ملتها و هواقب آن برای جامعه، برای هر یک از خانواده ها و هر یک از انسانها هشدار دهم." "هیچکس حق ندارد تجلیات ناسیونالیستی را، در هر شکلی که بخواهد ظهور کند، چه بصورت ناسیونالیسم محلی و چه بصورت شوونیسم تحمل کند. این تجلیات برای هر ملتی نزول دهنده و به لحاظ ارزشهای انسانی توهین آمیز و خجالت آور است." "در مقابل کسانی که منازعات میان ملل را تحریک کردند، به تجدیدنظر مرزها و کوچاندن اقلیتهای ملی فراخوانند باید با قاطعترین تدابیر ممکن برخورد شود."

گارباچف خواست که در چهره حقیقت نگریسته شود و تصدیق شود که کنار دستاوردهای بزرگ تکامل خلقهای شوروی مشکلات بسیاری تجمع کرده اند که نیازمند توجه و رسیدگی فوری قابل تأخیر هستند. "مشکلات ملی و مسائلی که به علت رکود اقتصادی و بی توجهی به نیازهای اجتماعی انسانها پدید آمده اند به کلات درهم آمیخته اند." "ما امروز هواقب عدم قانونیت را که در سالهای گذشته میدان داشته اند تحمل

برای اشتراك نشریات «کار» و «اکثريت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده

و همراه با معادل بهای اشتراك، تمبر پستی و یارسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	<input type="checkbox"/> شش ماهه
مارك ۱۳	مارك ۱۱	نشریه «کار»	<input type="checkbox"/> يك ساله
» ۲۴	» ۲۱		
دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	<input type="checkbox"/> سه ماهه
مارك ۳۰	مارك ۲۷	نشریه «اکثريت»	<input type="checkbox"/> شش ماهه
» ۵۸	» ۵۲		<input type="checkbox"/> يك ساله
» ۱۱۵	» ۱۰۲		

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO. 266
MONDAY, 17 JUL. 89

حساب بانکی
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701-650
DR. GERTRAUD ARTNER

آدرس:
Address: RUIZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید